مجلهٔ فکاهی

مُلانصرالدین





سال پنجم

شماره نخست

ارگان خبرگزاری فکاهی ملانصرالدین

مجلهٔ فکاهیِ ملانصرالدین، ارگانِ خبرگزاری فکاهیِ ملانصرالدین

www.mollanasroddin-magazine.ir

این نشریه‌ای تک نفره است. یعنی همهٔ کارهای آن، اعم از نوشته و کارتون و کاریکاتور و ساخت رویه‌های نخست و پایانی و ایندیزاین، همه به دستِ حیدر سهیلی اصفهانی به انجام می‌رسد.











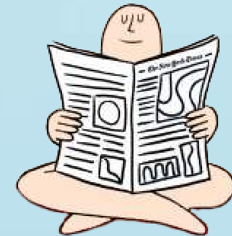














دو کلوم حرف چیز

شلغم آقا- جناب مستطاب سردبیر



دیروز پس پری‌روزها، داشتم از جلوی تلویزیون رد می‌شدم، دیدم ریاست محترم قوهٔ قضائیه داشتن افاضات می‌فرمودن که حتما حتما حتما باید گلوگاه فساد اقتصادی شناسایی بشود.

بسیار از این کشف بزرگ متحیر موندم. چرا قبلا به فکر هوچ کس نرسیده بود که حتما باید گلوگاهش شناسایی بشه؟ قبل از این‌ها، هر کسی دنبال عضو دیگه‌ای از فساد اقتصادی رفته بود. هوچ کس نفهمیده بود که اعضا و جوارح دیگهٔ فساد اقتصادی به چه دردی می‌خوره؟

مثلا ما بفهمیم که چشش کجاس؟ آیا انگشتی اینقذه بلند داریم که بکنیم دقیقا توو چشش؟

یا مثلا آیا شرع مبین به ما اجازه می‌ده که ما خدای نکرده برویم سراغ اعضا و جوراح تحتانی یا نعوذ بالله بریم مثلا سراغ اعضای تناسلی فساد اقتصادی بگردیم که پر واضحه که همهٔ ما می‌دانیم که آن اعضا دقیقا کجاست و در حال انجام چه کاریه... اما آیا عفت کلام در تمدن باستانی و اسلامی کشور عزیزمان اجازه می‌ده که ما حتی با انگشت، محل دخول را به بقیه نشون بدیم؟

حالا می‌فهمم که چرا ما نتونستیم فساد اقتصادی را شناسایی کنیم، چون اصلا نمی‌دونیم دقیقا کجای این موجود هولناک بسیار غول پیکر را شناسایی کنیم؟ کلش رو که عمرا بشه دید!

غول بی‌شاخ و دمی که نه معلومه پاش کجاست و نه معلومه دستاش کجاس، فقط باید یکی از اعضای اون رو شناسایی کرد و اگه بشه کاری باهاش کرد که هوچ، وگرنه با اندازه گیری اون، بشه تشخیص داد اقلا چقذریه، حجمش چقذریه... تا کجاها طول و عرض داره، یا دست کم بشه تصورش کرد.

درست مثل کاری که بزرگ اخترشناسان انجام می‌دن. فقط یک کهکشان راه شیری، یا اندرومدا را در نظر می‌گیرن و بعد تصور می‌کنن که جهان آفرینش، حدودا چقذریه! کلش را که عمرا بشه اصلا تصور کرد.

فساد اقتصادی در ایران هم این طوریه که باید عضوی کاملا مشروع را در نظر بگیریم و بعد دربارهٔ ابعادش تخیل کنیم.

حالا سئوال بزرگی که اذهان را درگیر کرده، اینه که خب حالا ما مثلا تونستیم گلوگاه فساد اقتصادی را شناسایی کنیم و ابعادش رو تصور کنیم، این کار چه فایده‌ای داره، اصن؟

باز هم برمی‌گردیم به شناسایی ابعاد فضا... خب چه فایده‌ای داره که ما ابعاد فضا را بشناسیم. وقتی ما بتونیم تشخیص بدیم که فعلندش چند میلیارد ستاره در جهان هستی هست، اون وخ، می‌تونیم به خودمون بگیم: «وع چقذه ستاره..! پیکی!»

مثلا حالا بفهمیم که ریز تعداد سیاره و ستاره در این جهان هستی چقذه، مثلا چی کار می‌تونیم بکنیم؟ همین که فهمیدیم که دور و برمون، دو تا کهکشان گنده و پت و پهن هست، آیا امکان رسیدن به اون‌ها را داریم؟ مثلا توو کهکشان خودمون، تا حالا چند متر از همین منظومهٔ شمسی تونستیم دور بشیم؟ تقریبا هوچ!

اما، همین که می‌دونیم تا حالا چند تا کهکشان دور و برمون هست، مثلا در فاصلهٔ نزدیک، همین پشت، در فاصلهٔ هزار سال نوری، کدوم کهکشان قرار داره، کلی کلاس داره...

حالا ما بفهمیم که «گلوگاه فساد» دقیقا کجاست، می‌دونین چقذه فایده‌منده؟ اول از همه، همون کلاس کاره که خدمتتون عرض کردم. دوم از همه، موضوع شناساییه!

عه! نگین چه فایده!؟

شوما فکر کن دستت بخوره به یه جای دیگهٔ فساد و بعد خدای نکرده، زبونم لال، بفهمین «یه جای خاصِ خاک برسریشه»... خب، بعدا می‌دونین چقذه بهتون می‌خندن! از در و دیوار، بهتون که فکر می‌کردین گلوگاه فساد را گرفتین «یح یح یح» می‌خندن!

چون همه می‌دونن جای خاک بر سری فساد دقیقا کجاست. مهم گلوگاهشه که جناب ریاست محترم قوهٔ قضائیه، اشارهٔ بسیار به جایی فرمودن و من به همین سبب، خدمتِ ایشون تبریکات عاجزانه عرض دارم.

پس به این ترتیب، ما باید اولندِ همه، مواظب باشیم که دقیقا دستمون به کجای فساد می‌خوره، چون اگه حواسمون نباشه که دستمون به کجای فساد خورده، فردا باید جواب بی‌عصمتی را هم خودمون بدیم.

دوم این که شناسایی جوارح مختلف فساد خیلی مهمه، تا بی‌خود سر هر چیزی به این فساد بدبخت فلک زده گیر ندیم. اگه گلوگاهش بود که یه چیزی، اما آخه جاهای دیگهٔ فساد چه اهمیتی داره... ها؟

سومش هم کلاس کاره که قبلا گفتم...

حالا ممکنه شوما بپرسین که مبارزه با فساد پس چی می‌شه؟

نفرمایین!

نفرمایین!

آدم خودشو می‌زنه؟

آدم عزیز دلشو می‌زنه؟

آدم جیگر خودشو می‌زنه؟

آدم پارهٔ جیگر خودشو می‌زنه؟

چقذه شوما بی‌رحمین؟ آخه چقذه؟

اصلا من اشتباه کردم که با شوما، یه مشت آدم بی‌رحم و مروت، داخل اختلاط شدم.

برین رد کاردون و دیگه با من حرف نزنین.

شوما که حرف نزدین، اما من هم دیگه با شوما، تا یک ماه دیگه حرف نمی‌زنم.

بی خدافز!



بستری به سبب خودزنی!

عده‌ای از مسیولان «خوش غیرت» به سبب خودزنی در بیمارستان بستری شدند.

به گزارش خبرگزاری فکاهی ملانصرالدین، در پی اعلام این که نظام در برخورد با مفسدان اقتصادی با کسی تعارف ندارد، عده‌ای از خوش‌غیرت ترین مسیولان، اقدام به خودزنی کردند و بر اثر شدت جراحات وارده، در بیمارستان بستری شدند.

یکی از آبدراچی‌های پلیس ناجا، پس از گرفتن پول چایی حسابی از خبرنگار ما (همون پیک موتوریه) به او خبر داد که همون روز صبح، چندتایی از مسیولین، در حالی که پس یقهٔ خود را گرفته بودند و روی سر انگشتان خودشان راه می‌رفتند و ادای کسانی را در می‌آوردند که در حال تیپایی خوردن هستند، خودشان را تحویل پلیس دادند.

در این رابطه، یکی از مسیولین که اسمش یاد خبرنگارمان نمانده (تو با این ضعف حافظه غلط کردی اومدی شدی خبرنگار!) به همین نکبت گفت: «قبلا مسیولین بالاتر، در مقابله با فساد اداری و مالی، اقلا کمی تعارف می‌کردند تا ما رویمان باز شود، اما از روزی که اعلام شده که دیگر تعارف ندارن، راستش خود من، دیگه دل تو دلم نیست، خجالت می‌کشم که بدون تعارف، فساد اداری کنم. لطفا سیستم تعارف را یک بار دیگر راه بیندازند. «

لطفا مسیولین بالاتر، به این درد دل مسیولین زیر دست و نوچه‌های نکبت زیر دستشان رسیدگی فرمایند!



کمبود پول است، نه گوشت قرمز!

مسیول کل دام‌های زنده اعلام کرد: اصلا مشکل کمبود گوشت قرمز و دام زنده نیست، مشکل پول است که مردم ندارن و همین سبب شده که دام روی دست تولیدکنندگان بماند.

به گزارش خبرگزاری فکاهی ملانصرالدین، این آقاهه گفت: « داداش! مشکل اینه که توی مصرف کننده پول نداری... مشکل من چیه؟ هر چی بخوای ما دام زنده و مرده و نیمه جون، جهنمی و بهشتی داریم، اما هیچ وقت مردم نمی‌گن که چرا گوشت نیست. مشکل خود مردم هستن که ننه مرده‌ها پول ندارن! واسه چی گردن ما می‌ندازین... پول نداری، ما را سنه نه!»

به دنبال اعلام این خبر، مردم ایران دست جمعی با امضای طوماری از کل تولیدکنندگان گوشت قرمز عذرخواهی کردند که بدون داشتن پول کافی معادل کیلویی ۲۵۰ هزار تومان، اقدام به خریدن گوشت قرمز کرده‌اند.

مسیولان مربوطه هم تاکید کردند: «نچ نچ نچ! واسه چی تهمت می‌زنین و به جای تاکید بر مشکل اصلی که نداشتن پول است و به شخص شخیص خودتون مربوط می‌شه، به تولیدکنندگان و واردکنندگان شریف گوشت قرمز تهمت می‌زنین؟ »



گسترش روابط ایران و کره مریخ

در پی خیانت چینی‌ها به ایران و پریدن با رقیب و دشمن قسم خوردهٔ این کشور، دولت ایران بر برنامهٔ خود برای گسترش روابط با مریخ تاکید کرد.

به گزارش خبرگزاری فکاهی ملانصرالدین، یکی از مسیولان چینی خاطرنشان کرد که «ما وقتی با ایران موافقتنامهٔ ۲۵ ساله امضا کردیم، نمی‌دونستیم که شماها تحریم هستین. خدای خودتون، ازتون نگذره که می‌خواستین ما را با آمریکا و عربستان درگیر کنین. حالا می تونین موافقتنامهٔ ۲۵ ساله را بریزن تو پارچ با شربت سکنجبین بخورین.»

یکی از مسیولان در گفتگو با خبرنگار حواس پرت ما تاکید کرد: «بعد از پشت کردن چین به ما، ما فقط می‌تونیم درخواست همکاری با کرهٔ مریخ را مطرح کنیم که مکاتباتی هم با مریخی‌ها انجام شده.»

خبرنگار ما پرسید: «چرا با دیگر کرات منظومهٔ شمسی مثل مشتری و زحل نامه‌نگاری نکردین؟»

او پاسخ داد: «چقذه تو بی‌سوادی! مگه مشتری و زحل آدم داره؟ اون جا غیر مسکونیه!»

احسنت به این همه سوات!



وزارت امور خارجه: سرویس ایاب و ذهاب برای سفارتخانه‌های خارجی

با توجه به احضار مکرر و روزانهٔ سفرای خارجی به وزارت امور خارجه، این وزارتخانه اعلام کرد که سرویس آمد و شد را میان سفارتخانه‌ها و وزارت خارجه راه‌اندازی خواهد کرد.

به گزارش خبرگزاری فکاهی ملانصرالدین، سفرای انگلیس، آلمان، فرانسه، چین، کانادا، کانادادرای، پپسی کولا، کوکاکولا و چند تای دیگر، روزی دو بار به وزارت خارجه احضار شده‌اند تا مراتب اعتراض ایران به مداخلات خارجی در امور داخلی ایران به آن‌ها ابلاغ شود.

خبرنگار ما که با زد و بند، ژتون مجانی رستوران وزارت خارجه را گرفته، به ما گزارش داد: «چلوکباب می‌دن با چلو جوجه، با دوغ حسابی آب علی... خیلی خوشمزه...» ببخشید! اشتباهی قسمت‌های دیگر این گزارش منعکس شد... او دربارهٔ خبر بالا به ما گزارش داد: «توو رستوران، کلی سفیر خارجی نشسته بودن غذا می‌خوردن و منتظر سرویس بودن که برگردن سفارتخونه‌شون... سفیر انگلیس عجله داشت می‌خواست زود برگرده، من صد دلار تلکه‌اش کردم، با موتور رسوندمش سفارت...»

شایان گفتن است که خبرنگار ما به سبب همکاری با عوامل اجنبی اکنون در زندان به سر می‌برد. خدا کنه اعدامش کنن، از شرش خلاص بشیم!





گفتگو با دکتر الاغ خرنژاد

دکتر الاغ خرنژاد، دستمایه‌ای است که لحن انتقادی بسیار تلخی دارد. از یک سو، نگاهی گزنده، به «ملایان مکتب نرفته‌ای» دارد که در کسوت کارشناس حوزه‌های مختلف، در هر زمینه‌ای اظهارنظر می کنند و رادیو و تلویزیون را پر کرده‌اند و از سوی دیگر «اشرف مخلوقات بودن» انسان را به سخره می گیرد. انسانی که بازیچهٔ افکار و عقاید مختلف است و به راحتی فریب می‌خورد. دکتر الاغ خرنژاد، موجود فرزانه و متفکری است که تنها گناهش الاغ بودن است. هرچند بهتر از خیلی از آدم‌ها می‌فهمد.

– سلام استاد، امروز تصمیم گرفتم که اصلا گرد سیاست نگردم و برم سراغ فوتبال جام جهانی...

• پس چرا اومدی سراغ من؟ کدوم خر عاقلی سراغ همچی بازی می‌ره؟

– شما خرها سراغ چه بازی می‌رین؟

• جفتک توو صورت آدمیزاد..!

– زکی..! یعنی چی؟

• یعنی این که جفتک می‌زنیم، دقیقا باید بخوره وسط صورت آدمیزاد... بعد یه امتیاز داره..

– می‌زنین صورت آدمیزاد رو می‌پوکونین و بعد فقط یه امتیاز داره؟

• فقط یه آدمیزاد که نیست. سوژه‌ها متعددن..!

– پس اصلا بازی‌های جام جهانی رو ندیدین..!

• نع..! فقط شنیدم که تیمتون باخت... و حذف شد!

– استاد! این تیم مال شما خرها هم بود... چرا می‌گین تیمتون..!

• نه بابا..! شد تیم ما..؟ ظاهرا شوما آدمیزادها، هر وخت گیر می‌کنین، دست به تعارفتون حرف نداره... وختی خرتون از پل مراد گذشت، سیا سیاپای خمون، غریبه نیاد داخلمون... وقتی توو گل گیر کرد، همه تا پای جان برای ایران..!

– استاد به من چه؟ من هم یه کارمند یه لا قبا...

• دقیقا..! شما هم حکم ما رو دارین... کار کردن خر و خوردن یابو..!

– حالا استاد! غیر از نوع بازی ضعیف ایران، آسیایی‌ها ترکوندن..!

• کدوم آسیایی‌ها؟ فقط ژاپون بود و کرهٔ جنوبی...

– استرالیا، عربستان، خودمون هم ولز را حذف کردیم...

• عجب! توو مدرسهٔ خرها، استرالیا جزو قارهٔ اقیانوسیه است. برای شوما آدمیزاد، جزو قارهٔ آسیاست؟

– توو تقسیم بندی کنفدراسیون فوتبال، برای جام جهانی آوردنش جزو آسیا...

• حالا هر چی! ولز رو هم که حذف کردین... ظاهرا زور بابام فقط به ننه‌ام می‌رسه...

– استاد چقده شوما بدبینین! ولز هم جزو تیم‌های خوب دنیاست.

• و ما چرا خوش حالیم؟ چون تیم ما جزو تیم‌های بد دنیاست. پس شوما نتونستین تیمتون رو خوب کنین، فقط تا حالا خوب بودن بقیه را به گند کشیدین... این طور نیست؟ از سال بعد، طبق معمول، باید شب بازی با بحرین و عراق، تا صبح بلرزین... شاید هم باز یه تیم درپیت دیگه، سه چهار تایی بهتون گل بزنه...

– استاد، چرا این طوره؟

• چون مسئولان شوما دنبال فوتبال نیستن... دنبال سرگرم کردن مردمن... این که ورزش کنین و از ورزش صنعت درست کنین، یه حرفه، اما این که مردم را سرگرم کنین و به کارتون برسین، چیز دیگه است... مثل کاری که ننه باباها می‌کنن. بچه‌ها را می‌فرستن توو حیاط تا بازی کنن و بعد اون‌ها توو اتاق خواب به کارهاشون برسن. بچه‌ها هم نفهمن..!

– استاد عفت کلام لطفا..!

• مگه چی گفتم؟ تو فکرت خرابه! مثلا اتاق خواب را مرتب کنن...

– بعله! دقیقا هم منظورتون همین بود... اما دیدین که سه تیم متعلق به سهمیهٔ آسیا در جام جهانی شاهکار کردن.

• بعله! سه تیم که مسئولانش دنبال سرگرم کردنشون نبودن. از فوتبال صنعت ساخته بودن. چند سال پیش، تیم ایران، از رسیدن استرالیا به جام جهانی جلوگیری کرد، اما حالا همین استرالیا، دانمارک رو حذف می‌کنه و در برابر آرژانتین حذف می‌شه. اگه آرژانتین را زده بود، می‌رفت جزو هشت تای نهایی... کرهٔ جنوبی، پرتغال رو دو بر یک می‌زنه و ژاپن، هم باعث حذف آلمان می‌شه و هم اسپانیا را دو بر یک می‌بره... همهٔ این‌ها محصولِ صنعت فوتبال این سه کشوره...

– عربستان هم آرژانتین رو دو بر یک برد...

• بعله! یک حادثه! بعد شد زنگ تفریح بقیه..! چون قراره مردم عربستان رو سرگرم کنه تا محمد بن سلمان به کارهاش برسه.

– عجب دیدگاهی! اصلا از این نظر نگاه نکرده بودم.

• چون بچه آدمیزادی! بچه آدمیزاد، جوگیره... جو هر طرفی بره، به نظرش همون عاقلانه است و برای این عقل جوگیر فخر فروشی می‌کنه.

– اما شما خرها سر در آخور، گوش‌های تیزی دارین... من دیدم که هی گوشاتون می‌جنبه...

• برعکسِ گوش‌های شما که معمولا بسته است.

– شما که گفتین بازی‌ها را ندیدین...

• خرکچی ما، توو اتاق بغلی بازی‌ها را می‌دید و ما فقط گوش می‌دادیم. این ثمرهٔ شنیدنه، نه دیدن!

– خب استاد! ما چی کار کنیم که فوتبالمون قوی بشه و بشه مثل فوتبال غرب و آمریکای جنوبی؟

• هیچی! گرد سیاست نگردین! دنبال بهبود اوضاع مملکت نباشین! صبح تا شب عر بزنین که زنده‌باد این تیم و اون تیم و هی بپرسین که چی کار کنیم فوتبالمون خوب بشه..؟

– استاد، بعد این کارها چه فایده‌ای واسه فوتبال داره؟

– مسئولان مملکت هم شر و شر به پاتون پول می‌ریزن تا شما فوتبال بازی کنین؛ سرمربی خارجی، تیم‌های خارجی برای تمرین و سفرهای خارجی و پخش زنده و از این جور قازورات..!

– این که خیلی بده! یه ملت می‌باس حواسش به اوضاع اصلی کشور باشه، نه بازی و این جور چیزها...

• نه بابا! این‌ها را خودت تنهایی فهمیدی؟ ای پدرسوخته! نکنه از کُرّهٔ من می‌پرسی و بعد وانمود می‌کنی که خودت فهمیدی!

– عجب! نمی‌دونستم! شما کُرّه دارین؟

• بعله! ورزشکار خوبی هم هست!

– توو چه مادهٔ ورزشی فعالیت می‌کنه؟

• جفتک توو صورت آدمیزاد..!

– معلومه که به باباش رفته... تا همین جا کافیه... در این جا از شما و خوانندگان عزیز هم خداحافظی می‌کنم. تا شمارهٔ بعدی خدانگهدار..!





- عبود! شنیدی تیم ملی ما، از جام جهانی حذف شد ؟
• نع! دیدم..!
- خو منم دیدم، مهم اینه که شنیده باشی!
• از کی بشنفم؟ از ننه کلثوم که می‌گه چرا تور ماهیگیری رو انداختن رو میله، اما نمی‌برن شط واسه ماهیگیری!
- خخخخخ ننه کلثوم خیلی پرته!
• نه ننهٔ تو کارشناس فیفاس، حالا هم توو قطر نشسته گزارش می‌ده!
- زر بی‌خود پشت سر ننهٔ ما نزن..! مسابقهٔ ایران و آمریکا، اول از همه مقصر اصلی باخت ایرانو شناسایی کرد...
• گفت کینه؟
- گفت: مقصر اصلی دروازه‌بان آمریکاس که توپ‌های ایران رو می‌گیره، بی‌خود هم به بقیه گیر ندین، همین نامرد توپ‌ها را می‌گیره، نمی‌ذاره ایران گل کنه...
• جون تو، جایزهٔ کفش طلایی اروپا را باید بدن به ننهٔ تو...
- اما خداییش این باخت ما یعنی مقصر نداره؟ همین جور سرسری رد بشیم بره؟
• مثلا حالا مقصر هم شناسایی شد، می‌خوای چی کارش کنی؟ اعدامش کنی؟
- نع بابا! اعدام چینه... خلخالی هم مرد و اعدام هم داره از مد می‌افته... یه زمانی همه داد می‌زدن: «فلانی، فلونی اعدام باید گردد!» حالا اگه بگی، همه می‌گن: «ایش چقذه بی‌کلاس!»
• آره زمونه بدی شده... البته اگه حرفش نیست، عملش هست.
- خدا را صد هزار مرتبه شکر..!
• حالا نگفتی، گیریم یخهٔ مقصر رو گرفتیم، بعدش چی کارش کنیم؟
- ببین عبود، من و تو چند ماهه بی‌کاریم؟
• فکر نکنم صحبت ماه باشه جاسم! دیگه باید بری سراغ سال...
- ها یعنی واحد شمارش بی‌کاری من و تو ساله... راست می‌گی!
• واحد شمارش دیگه چینه؟
- هیچی بابا..!
• حالا این بحث ما چه ربطی به بی‌کاری ما داره...
- متوجه نشدی، زیادی حرفامون تکراری شده؟
• خو چرا..! خودم هم اذیتم... مثلا همین یونس ناطور چند ساله ملیکه رو طلاق داده، هنو داریم دربارهٔ اون ماجرا حرف می‌زنیم. نباید دولت به فکر ما باشه که هم بی‌کاریم و هم حرف برا گفتن نداریم؟
- ها باریکلا! خوب فهمیدی! دولت که عمرا بتونه مشکل بی‌کاری عبود و جاسم رو حل کنه، خو اگه حرف و حدیث برا غیبت هم درست نکنه، خداییش من و تو نمی‌پکیم، نه؟
• چرا والله! آخه چند سال غیبت دربارهٔ یونس و ملیکه؟ ستم نیست؟ اصن یونس رفت دختر خاله‌اش رو گرفت و حالا دو تا بچه داره...
- موتور لنجه لامصب، هنو دو سال نشده، دو تا بچه..؟
• حرفو عوض نکن! پس لازمه، خیلی هم لازمه که مقصر حذف ایران از جام جهانی شناسایی بشه تا ما از بی‌سخنی نپکیم..!
- ها من هم همین فکرو می‌کنم.
• چی چی می‌گی... اصن حرف خودت بود که من موافقت کردم.
- اوف... ملیکه از خونه اومد بیرون... می‌خواد بره شط..!
• بی‌خیالِ فوتبال، ملیکه رو بچسب..!
- بریم! بریم دنبالش!

کارتون‌های وطنی



کارتون های مُلانصرالدین



-اطلاعیه مرکز ملی فضای مجازی: صدور تکذیبیه پیرامون اخبار جعلی و تحریف شده حداکثر ظرف مدت ۶۰ دقیقه باید انجام شود.



کارتون های مُلانصرالدین







نامه‌های جنجالی

درگذشته سبک زیبایی بود که برای بررسی مواضع واقعیِ شخصیت‌ها و سیاستمداران کشورها به نقل از آنان نامه‌ای می‌نوشتند و به جای مواضعِ اتوکشیدهٔ آن‌ها منتشر می‌کردند. گاهی مردم عادی باور می‌کردند که فلان سیاستمدار، چنین نامه‌ای نوشته است و علت اصلی این باور عموم آن بود که مفاد نامه، به مواضع شناخته شدهٔ او بیشتر از سخنان شیک و فریبنده‌اش شباهت داشت.

گاهی هم نویسنده آماتور بود و به شدت تحت تاثیر تصور خودش از دیگران، محصولات بی‌ربط و ضعیفی می‌آفرید. نامهٔ چالی چاپلین به دخترش، نمونهٔ بارز این گونه آثار است که در اصل، در تهران و به دست یک ایرانی مسلمان نوشته شده بود و سبب شد خیلی‌ها خیال کنند که چاپلین مسلمان شده است.

من تا به حال ندیده‌ام که کسی این سبک را وارد طنز کرده باشد و اگر کسی باشد تعجبی نمی‌کنم، چون این سبک، زمینهٔ بسیار مناسبی برای طنز دارد.

در این هفته، بیایید با هم تصور کنیم که اگر ولادیمیر پوتین، رئیس جمهوری روسیه، بخواهد برای همتای چینی‌اش نامه بنویسد، چه خواهد نوشت؟

شی جون سلام! امروز داشتم به تفاوت بین خرس قهوه‌ای و خرس پاندا فکر می‌کردم. خرس قهوه‌ای خعلی آرومه، سرش هم توو کار خودشه... وای اگه کسی پاشو بذاره توو قلمرواش، یا بخواد سر به سر خودش یا بچه‌هاش بذاره. حال خودش رو نمی‌فهمه، حمله می‌کنه و حتی شیر و ببر هم از ترسش جیم فنگ می‌زنن.

اینو دیگه همه می‌دونن!

خعلی وقت‌ها همه‌اش به خرس قهوه‌ای فکر می‌کنم. چیزهای خیلی خوبی درباره‌اش به ذهنم می‌رسه. راستش ما روس‌ها خعلی از خرس قهوه‌ای خوشمون می‌آد. خودمون هم سعی می‌کنیم شبیه اون به نظر بیاییم.

عما..!

راستش تا امروز اصلا به خرس پاندا فکر نکرده بودم. می‌دونی چرا؟ چون خعلی خر به نظر می‌آد! ببو گلابی نشسته روی یه شاخه درخت و هر کسی هم اونو می‌بینه می‌گه، وای! چقده قشنگه! بعد برای این که ببینن چطوری غذا می‌خوره، کلی غذا براش می‌ندازن! اون هم خعلی ساده می‌گیره و می‌خوره... نه می‌گه عیبه و نه می‌گه مبادا گدا به نظر برسم.

عما، در عین حال، اینقده قدرتمند و نیرومنده که هیچ کس دوست نداره که باهاش درگیر بشه.

راستش شی جون، من تازه فهمیدم چه کلاهی سرم رفته... بی‌خود و بی‌جهت، خودم را درگیر بحران اوکراین کردم، چون خیال می‌کردم که تو سفت و سخت پشت سر منو گرفتی. اما حالا می‌فهمم که مثل یک خرس پاندای نجیب و سر به زیر، در حالی که همه دارن خودشون رو جر می‌دن، تو داری فقط می‌لنبونی!

من به تو گاز می‌دم، می‌گیری. در حالی که یکی از بزرگترین معادن مس دنیا را داری، از ایرانی‌های از خود متشکر، داری مس می‌گیری. صنایع پتروشیمی ایرانی‌ها را در اختیار گرفتی و بعد جنس‌های پلاستیک بنجلی رو که اون‌ها بهترش را دارن، می‌کنی توو پاچه‌شون... وقتی سرنوشت قرارداد ۲۵ ساله با ایران را دیدم، کلی خندیدم، اما بعدش به حال خودم گریه کردم که من خرس قهوه‌ای وحشی، گیر یه خرس پاندای به ظاهر احمق افتاده که هر چی توو آسمون و زمین و دریاست، می‌بلعه!

احمق کیه؟

ایرانی‌ها که همیشه ثابت کردن که خیلی احمقن، اما من چرا فریب توی پدرسوخته را خوردم؟

موضوع اینقده جدی بود که من هم تبلیغات گستردهٔ آمریکایی‌ها را دربارهٔ رویارویی با چین رو خوردم. یکی نبود به من بگه آخه آدم ابله، اگه این رویارویی جدی بود، چرا روی روابط اقتصادی دو کشور تاثیر نداشت؟

همیشه این توصیه عاقلانه است که هر رویارویی، اعم از نظامی یا اقتصادی، تدارکات می‌خواد. کو تدارکات جنگ با چین؟

اسم یه چینی ننه مرده را ببر که در سطوح بالای حزب شما باشه و آمریکا تحریمش کرده باشه. ای خاک بر سر من ابله!

خعلی نامردی شی، خعلی!

بعدش بلندش شدی و رفتی خلیج فارس! این یکی خیلی منو خندوند. این ایرانی‌ها، خعلی پر رو شدن. خیال می‌کنن که یخته نفت دارن و می‌تونن همه را بخرن! رفتی قرارداد ۲۷ ساله با عربستان بستی و میلیاردها دلار سعودی‌ها را تلکه کردی... اما حتی نیم نگاهی به قرارداد ایرانی‌ها ننداختی!

اینو خداییش خوشم اومد.

وقتی می‌خواستن قرارداد ۲۵ ساله با چین امضا کنن، کلی ناز و کرشمه کردن که نه خیر! این باعث استثمار ایران می‌شه و با اون هیکل صد متری، خودشونو با سری لانکا و کنیا مقایسه می‌کردن که شرکت‌های چینی رفتن وسط یک صحرای لم یزرع یا یه کشور ورشکسته که دار و ندارش را چند مزرعهٔ چای تشکیل می‌ده، سرمایه‌گذاری کردن. حالا هم ترسیدن که مبادا اون بلا سر خودشون بیاد. عین این که ننه جون ۹۵ سالهٔ من بترسه، مثل دختر ۹ سالهٔ همساده، در معرض تجاوز قرار بگیره.

این کارت عالی بود که با عربستان قرارداد بزرگتری بستی و قرارداد ایرانی‌ها را انداختی توو سطل آشغال..!

حقشونه!

البته عقیده دارم که صدور بیانیهٔ مشترک با کشورهای عرب که هر کاریش کنی، آخرش ضد ایرانی محسوب می‌شه، نه تنها احمقانه بود، بلکه به همه ثابت کرد که این خرس پاندای پرخور، اگه چشمش به بامبوی تر و تازه بخوره، حال خودش رو نمی‌فهمه و حاضره تن به هر نجاستی بده. فهمیدی که ایرانی‌ها نه راه پس دارن و نه راه پیش، راحت بهشون خیانت کردی. این جوری نگاه کردن به روابط بین‌الملل، خداییش، آخر لاشی بازیه!

گرچه عقیده دارم که با این‌ها باید این طور رفتار کرد! از معاهدهٔ ترکمان چای تا حالا، دویست سال گذشته و در این مدت، خودشون، صد بار مملکتشونو چپاول کردن، اما اگه یه تیم باشگاهی ما، با تیم باشگاهی دسته سومشون قرارداد ببنده، بلافاصله می‌گن روس‌ها با ما قرارداد ترکمان‌چای بستن. ما اصلا با ایران نه مرز خشکی داریم و نه مرز دریایی... اینقده بی‌سوادن که خیال می‌کنن مرزهای جمهوری آذربایجان و ترکمنستان، مرزهای روسیه با ایرانه و کلی برنامه می‌سازن و ضد ما چرت و پرت می‌گن!

فارغ از بلایی که سر ایرانی‌ها آوردی، با ما که لاشی بازی کردی و حالا من و موندم و این کلاه گشاد اوکراینی که سرم گذاشتی. با اون قیافهٔ آروم نکبت همیشه ساکتت، کلی اطلاعات غلط کردی توو سرم. دیدم ساکتی، خیال کردم که از حمایت‌های همه جانبهٔ تو برخوردارم، اما یهو نقش آدم خوبه را بازی کردی و لزوم برقراری امنیت و آرامش در خلیج فارس و همکاری بین المللی صحبت کردی و دو تا دستمو کردی توو پوست گردو...

باشه شی! باشه! یکی طلبت!

تا من باشم که با طناف اینو و اون، توو چاه نرم..!

امضا: ولادیمیر بلاخره غمگین





کارتون های خارجی





کارتون های خارجی





اخبار خارجه

عربستان: از این پس یوان به دلار چنج می‌شود!

در پی توافق چین و عربستان سعودی برای خرید نفت و گاز، با استفاده از یوان، از این پس، سعودی‌ها سیستمی را برای چنج سریع یوان به دلار و بالعکس ایجاد کردند.

به گزارش خبرگزاری فکاهی ملانصرالدین، طبق روال مقرره، از این پس، پول واریزی به حساب سعودی‌ها در همان هنگ کنگ، به دلار تبدیل و وارد حساب عربستان سعودی خواهد شد.

کارشناسان همگی به شدت معتقدند که این کار، خواهر و مادر اقتصاد آمریکا را به آرزوی قلبی‌شان خواهد رساند.

همان طور که متوجه شدین، موضوع خبر ما چنج دلار به یوان و برعکس بود، نه این که آرزوی قلبی خواهر و مادر اقتصاد آمریکا چیه... آدم‌های منحرف..!



برگزاری مراسم سی‌اُمین سالگرد سازمان اکو

مراسم سیُ‌مین سالگرد رحلت جانسوز سازمان همکاری‌های اقتصادی (اکو) در جوی حزین و سوگی سنگین، در مرکز مطالعات سیاسی و بین‌المللی برگزار شد.

به گزارش خبرگزاری فکاهی ملانصرالدین، آقای امیر عبداللهیان وزیر امور خارجهٔ کشورمان، با صدای بغض کرده‌ای سالروز رحلت جانسوز سازمان اکو را به همهٔ اعضای افتخاری این سازمان تبریک گفت. یکی از کارشناسان که اسمش زیر پونز مانده بود، تاکید کرد که «علت تبریک این بوده که این رحلت، احتمالا، شهادت حساب شده و از این پس، می‌ره زیر مجموعهٔ بنیاد شهید...»

این کارشناس همچنین تاکید کرد: «با توجه به این که از این سازمان فقط پوستش مونده، احتمالا همین امسال، در جوی از سوگ و حزن، پوستش به خاک سپرده خواهد شد.»

به همین منظور، مراسم ترحیمی در محل همین مرکز برگزار خواهد شد که برای رفت و آمد سوگواران، وسیلهٔ ایاب و ذهاب تهیه شده... ناهارشون هم چلوکبابه! نترسین خورشت قیمه نیست.



اعلام نامزدی ترامپ برای مدیریت دبیرستانی در فلوریدا

با توجه به سقوط محبوبیت ترامپ در نظرسنجی‌ها، رئیس‌جمهوری آمریکا صرفا برای مدیریت مدرسه‌ای در فلوریدا، محبوبیت کافی دارد.

به گزارش خبرگزاری فکاهی ملانصرالدین، با سقوط محبوبیت ترامپ در برابر دسنتیس، فرماندار فلوریدا، روند سقوط محبوبیت ت رئیس‌جمهوری سابق آمریکا، شتاب بیشتری گرفته است و کارشناسان معتقدند که احتمالا تا آغاز کارزارهای انتخاباتی، او فقط در حد مدیریت دبیرستانی در فلوریدا محبویت کافی خواهد داشت.

البته با توجه به این که مدیر فعلی این دبیرستان زن خوشگلی است، او برای تصدی این مقام، با موانع بزرگی برخورد خواهد کرد.



طنز تلخ: بورس اسلحه در اوکراین

با توجه به صادرات انبوه اسلحه از اوکراین و به مقصد این کشور، مقدمات ایجاد بورس اسلحه در اوکراین فراهم شده است.

به گزارش خبرگزاری فکاهی ملانصرالدین، با توجه به وجود اطلاعاتی دربارهٔ صدور اسلحهٔ آمریکایی تقدیمی به دولت اوکراین به کشورهای دیگر، اکنون این شرایط فراهم شده است که اوکراین به بورس اسلحهٔ جهانی تبدیل شود.

پهپاد ایرانی به دست روس‌ها وارد اوکراین می‌شود و بعدا، به مقاصد دیگر صادر شود و سلاح‌های آمریکایی، از آمریکا وارد و با قیمت بیشتری به کشوری دیگر ارسال شود.

این وضعیت می‌تواند به جنگ اوکراین صرفهٔ اقتصادی بدهد و ای بسا، کلی فرصت کاری برای مردم این کشور ایجاد کند؛ در حوزهٔ واردات و صادرات سلاح، استخدام برای جنگیدن و مردن!



خبرگزاری فکاهی ملانصرالدین

MollaNasroddin Satire News Agency

واقعیت خنده‌دار است!

خبرهای سیاسی | خبرهای اقتصادی- اجتماعی | مجلهٔ فکاهی ملانصرالدین | دیدگاه

لایک یا بیلاخ

اسلایدر | خبرهای بروبچ خودمون | خبرهای سیاسی

خوشگل الحکایات | لیز تراس و رویای تاچریسم

دیگه نمی‌شه مثل گذشته!

عفو بما طبق!

شمارهٔ اخیر مجله | برای مطالعه آن لاین روی مجله کلیک کنید

خبرهای سیاسی

لایک یا بیلاخ

total views: 2 views today 2

طالبان: همبسته کردن مردم افغانستان

total views: 2 views today 2

آرشیو مجله: شماره‌های پیش

سال چهارم- آذر ماه 1400 تا آذر ماه 1401

مجلهٔ فکاهی ملانصرالدین

مجلهٔ فکاهی ملانصرالدین – ۴۸

دیدگاه

دو کلوم حرف حیز

سر و ته مقاله | دو کلوم حرف حیز

هر ماه با دکتر الاغ خرنژاد، کارشناس غیره و ذلک

اسلایدر | دیدگاه

سر و ته مقاله

http://mollanasroddin-magazine.ir http://msn-agency.ir

خوشگل الحکایات

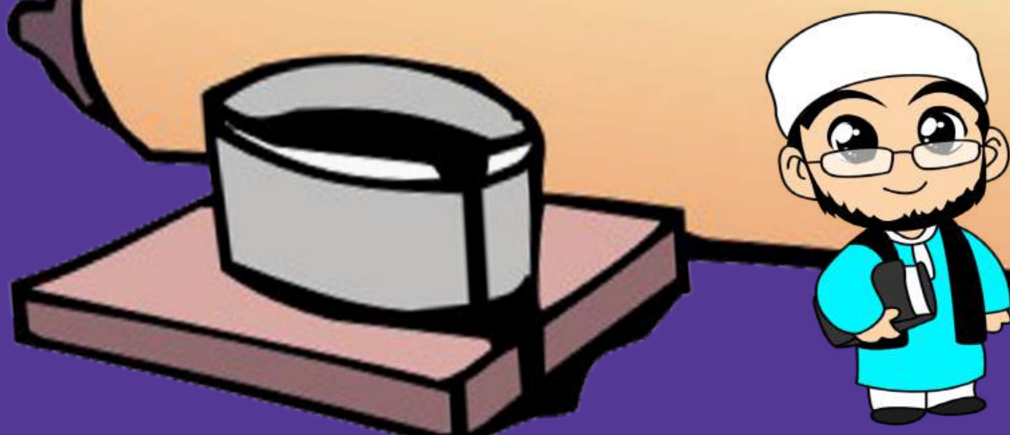
اشعر الشعرای یخه دل
حیدر سهیلی اصفهانی (صفره)



بچه‌ها ایمیل بزنید!

پیرو فراخوان مسئولین گرامی برای اطلاع‌رسانی مشکلات موجود به آن‌ها از طریق ایمیل مستقیم:

هر چه دیدی که نوشته‌ام به ذیل،
به خودم بزن ایمیل..!
این روزها همه توو کار اغتشاش
ریخت و پاش..!
تا خوی و سقز و زاهدان و خاش
یواش یواش..!
اگه دیدی جایی مفت می‌دن لواش
به خودم بزن ایمیل..!
می‌گن این روزها همشون شاکی‌ان
ساواکی‌ان..!
همشون توو کار بنگ و ساکی‌ان
الکی‌ان..!
همه مست و جَلَب و تریاکی‌ان
سوزاکی‌ان..!
اگه دیدی چندتایی از این قماش
به خودم بزن ایمیل..!
همشون می‌خوان که بی‌حجاب بشن
خواب به خواب بشن..!
جلوی آفتاب ظهر، گریل بشن، کباب بشن
لا آب بشن..!
(راستی!) اگه یه جایی دیدی می‌دن کباب
به خودم بزن ایمیل..!
کار ما هدایته به سوی حق
بی‌رمق..!
اقتصاد مال خره، ای بی‌نسق
کله شق..!
اگه دیدی، می‌پیچن یه چیزی رو توو زرورق
به خودم بزن ایمیل..!
به خودم بزن ایمیل..! آخ... به خودم بزن ایمیل..! واخ... به خودم بزن ایمیل..!





MollaNasroddin Satire Magazine



49